

روزه و دیدگاه عارفان مسلمان

اندرون از طعام خالی دار ** تا در آن نور معرفت بینی



عارفان اسلامی بر سه ستون عمده استوار است:

- ۱ - ستون زهد
- ۲ - ستون عبادت
- ۳ - ستون تفکر

مقصود عارف، سفر به سوی حقیقت مطلق است، ولی این سفر عروجی موانع عمده بر سر راه دارد. مانع نخست سد های بیرونی این سفر است و عارف اخلاق بد و ذمیمه (۱) را باید از خویشتن دور کند و این میسر نیست تا کنترل خود را بر نفسی که انسان را به بدی امر میکند نیفزاید.

عنان نفس را در کف خود گرفتن به صبر نیاز دارد و دشوار ترین صبرها صبر بر گرسنگی و صبر بر شهوات است. روزه که عنصر مهم زهد است کنترل عارف را بر نفسش افزایش میدهد و اراده اش را در پرهیز از گناه قویتر می سازد.

ستون دومی یعنی عبادت موانع دورنی را برطرف میسازد. عارف به نیروی عبادت بر وسوسه های گناه غلبه میکند. نماز از دید عرفا محاسبه با نفس است در برابر خدا(ج) و دُرُست به همین دلیل است که قرآن کریم نماز را منع کننده از فحشاء و منکر تعریف میکند. نماز تنها آن وقت می تواند منع کننده فحشاء و منکر باشد که نمازگزار در برابر خدا(ج) از گناه منفعل و پشیمان گردد تنها در همان حال است که نفس نامسلمان مسلمان میشود. ذکر و ختم کلام الله دو وسیله دیگر است که بر موانع درونی غلبه میکند

و بالاخره تفکر که بالاترین درجه عبادت است ما را با فلسفه احکام خدا(ج) آشنا می سازد. آیا خدا(ج) ما را به انجام یک رشته اعمال فرا خواند؟ و از یک رشته اعمال دیگر باز داشت؟ به خاطر اینکه نعوذ بالله خود بدان نیاز داشت؟ اگر این تصور در ذهن ما شکل بگیرد خدای بی نیاز را به خداوند نیازمند بدل کرده و از اسلام خارج شده ایم. تفکر آیین قلب را صیقل میزند و انسان را به مسلمان آگاه و عاقل بدل میکند. برای مسلمان بودن آزادی، بلوغ جسمی و بلوغ عقلی در کار است و روزه تنها خود داری از خوردن و آشامیدن نیست بلکه روزه سه عنصر انفکاک ناپذیر دارد که عبارت است از روزه ارکان، روزه لسان و بالاخره روزه حنان یعنی روزه دل یا قلب و معنایش اینکه با

۱ - ذمیمه کلمه عربی و اسم صفت است به معنی مذموم، نکوهیده و ناپسند.

اعضای بدن دست، پای و غیره آزاری به کسی نرسانی و با زبان از مردم غیبت و بدگویی ننمایی و بالاخره در قلب خویش احساس کینه، نفرت و دشمنی را نسبت به خلق خدا نپرورانی.

رسول کریم (ص) به مردی که روزه داشت و غیبت میکرد گفته بود: «درخانه تو گوشت به فراوانی خورده میشود» و منظور اشاره به آن آیه کریمه بود که غیبت را خوردن گوشت برادر میداند در حالی که آن برادر مُرده است و این اوج بلاغت قرآن کریم در منع غیبت است. زیرا نخست گوشت انسان حرام است. دوم گوشت هر حیوان مُرده حرام است. سوم محبت برادری حکم نمی کند که آدم بدخواه برادر باشد بلکه در میان اعراب برادر نزدیکترین عضو برای خواهر و برادر خود بود و می گفتند زن یا شوهر یافته میشود ولی برادر یکبار که از دست رفت دیگر هرگز به دست نمی آید. ما مسلمانان بدبختانه امروز از آیین محمد (ص) بسیار فاصله گرفته ایم: نخست آیین او را گرفتار تجزیه و تقسیم کرده ایم و هر کدام گلیت آیین را کنار گذاشته ایم و پیامبر اکرم (ص) این فتنه ها را در میان مسلمانان پیش بینی کرده بود. او ما را برحذر داشته بود که به عنوان یک امت واحد یکی بر ضد دیگر تیغ نکشیم. در کتاب الفتن صحیح مسلم حدیثی وجود دارد که میگوید:

«رسول مقبول (ص) گفت از خدا خواستم که امتم را اسیر دیگران نسازد و خدا گفت آنان را اسیر دیگران نمی سازم باز گفتم امتم را ذلیل مگردان گفت من ذلیل نمی سازم اما امت تو در میان خود یکی بر ضد دیگر تیغ می کشند.» و ما مسلمانان وقتی اینکار را کردیم هم اسیر شدیم و هم ذلیل.

امروز روحانیون مسلمان اصل را گذاشته اند و به فرع چسپیده اند، یک عالم را نمی بینی که دست از سر زنان بردارد و به رهبران دکتاتور مسلمان بگوید که شما مسلمانان را در میان خود شان به جنگ انداخته اید و امت مسلمة را ذلیل و پسگردنی خور کرده اید و این دیگر آن اسلام نیست که امت مسلمة را از کاشغر تا اسپانیه برادر هم ساخته بود. شما به قول آن شاعر پشتو که گفت:

د دار لارېن دي د دلدار لارېن دي دا نوې لارې اوس زموږ د کار لارېن دي

شما شاهراه اسلام را به جاده های فرعی تقسیم کرده اید و این جا ره های فرعی مسلمانان را نمی بَرَد مگر به سوی اسارت و ذلالت بیشتر. به هر صورت صحبت بر سر ماه روزه بود که اگر فلسفه آنرا بدانیم ظاهر و باطن ما را تطهیر می کند. این نگارش تلخ را با چند بیت شیرین حضرت مولانا پایان میدهم: فاعتبروا یا اولابصار. ۱۷ جون ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر.

بر بند دهان از نان کآمد شکر روزه	دیدی هنر خوردن، بنگر هنر روزه
زین عالم چو نسجی نیر پر سوی علین	بستان نظر حق بین زود از نظر روزه
کو پر زدن مرغان، کو پر ملک ایجان	این است پرچینه و آن است پر روزه
گر روزه ضرر دارد صد گونه هنر دارد	سودای دگر دارد سودای سر روزه
شیطان همه تدبیرش، وان حيله و تزویرش	بشکسته مه، تیرش پیش سپر روزه
سی روز درین دریا، پا سرکنی و سر پا	تا در رسی ای مولا، اندر گهر روزه